

بازی سایه ها، و سایه ابهام یک اکتبر سورپرایز

ژان گیزنل

ترجمه و مقدمه: محمد علی اصفهانی

۹ آبان ۱۳۸۷

۳۰ اکتبر ۲۰۰۸

www.ghoghnoos.org

مسأله ی جدال کاندیدا های دو حزب جمهوریخواه و دموکرات آمریکا به طور
اخص، و جدال این دو حزب، به طور خاص، و جدال جنگ طلبان اسرائیلی و
آمریکایی با کسانی که - دستکم در ظاهر - از ضرورت کم کردن تنش های نظامی
در جهان سخن می گویند، به طور عام، برخلاف تصوّر رایج، در چهارم نوامبر و
انتخاب اوپاما یا مک کین، تعیین تکلیف نمی شود.
فاصله ی میان چهارم نوامبر تا اوّل ژانویه (روز استقرار رسمی رییس جمهوری
جدید در کاخ سفید) فوق العاده حساس و تعیین کننده است.
اگر مک کین به اوپاما ببازد، در این فاصله احتمالاً حوادث بسیار غیر منتظره یی
می تواند اتفاق بیافتد.

مخصوصاً اگر به باد رفتن احتمالی آرزو های بخش نیرومندی از قدرتمداران
اسرائیل در زمینه ی ویران کردن ایران و بازگرداندن آن شاید به یک قرن پیش را
در صورت شکست مک کین در نظر بگیریم. و این را که وجود یک ایران نیرومند و
مستقل و یکپارچه - ایران بالقوه ی فردای رهایی - به عنوان بزرگترین و شایسته
ترین قدرت منطقه، هم برای اسرائیل، هم برای آمریکا، و هم برای حکومت های -
ذاتاً - عشیره یی و نیمه فئودالی خلیج فارس، کابوسی همیشگی بود و هست و
خواهد بود.

و باز مخصوصاً اگر به آنچه محور تئوری نئوکان ها را تشکیل می دهد و از آن به
عنوان «هرج و مرج سازنده» نام می برند * آنگونه که باید، بها دهیم، و کارنامه ی
اینان در مدّت هشت سال قبضه ی قدرت در آمریکا را گواه اعتقادشان به این
تئوری بگیریم...

... و ماجرا البته بعد از ورود احتمالی او با ما در اول ژانویه به کاخ سفید - چه او در ادعای «صلح طلبی» خودش صادق باشد و چه نه - همچنان ادامه خواهد داشت...

... و این همه را چاره‌ی دیگر باید جست. نه در بیرون ایران. بلکه در اندرون ایران. و نه در میان دستان ناپاک و به خون آلوده‌ی دو سفله‌ی جنگ طلب پیاده و سواره که به خصوص در چند سال اخیر از هیچ کوششی برای قرار دادن ایران در معرض تجاوز خارجی کوتاهی نکرده‌اند و نخواهند کرد. یکی به قصد ادامه‌ی حاکمیت خود، و دیگری در رؤیای شوم گرفتن جای او به ازای دستمزد خیانت به مردمش. بلکه در جنبش مدنی رو به اعتلای ایران.

هم از این روست که وقتی که یکی از خیره‌ترین کارشناسان امور اطلاعاتی و امنیتی و نظامی فرانسه - در ابهام و ناروشنی‌ی بسیار تأمل برانگیز - سخن از یک «اکتبر سورپرایز» جدید می‌راند، و عالماً و عامداً از شرح آن، و از آنچه احتمالاً در ذهن خود تصویر دقیقش را دارد، خودداری می‌کند، باید کمی و یا کمی بیشتر از کمی، به فکر فرو رفت.

ژان گیزنل، از بنیانگذاران «لیبراسیون» روزنامه‌ی معروف طیف چپ فرانسه است، و تا سال ۱۹۹۱ به عنوان نویسنده، و نیز گزارشگر ویژه، در این روزنامه فعالیت می‌کرده است.

او کارشناس مسائل نظامی و مسائل اطلاعاتی و امنیتی، استاد انستیتوی عالی نظامی، و از همکاران مطالعات عالی دفاع ملی فرانسه، و عضو هیأت داوران جایزه‌ی ادبی نیروی زمینی این کشور است.

بیشتر کتاب‌هایی که مستقلاً و یا با همکاری دیگران نوشته است، به مسائل امنیتی، نظامی، و اسرار پشت پرده‌ی روابط پنهانی حکومت‌ها و سیستم‌های اطلاعاتی آن‌ها با همدیگر می‌پردازد. از جمله:

- ژنرال‌ها: تحقیقی در باره‌ی نیروهای نظامی فرانسه.

- سرویس‌های اطلاعاتی: قدرت سرویس‌های اطلاعاتی فرانسه در زمان ریاست جمهوری فرانسوا میتران.

- قلعه‌ی فرو رفته در خواب: شکست سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا.

- دیوانگان در واشنگتن: مجموعه‌ی از مهیب‌ترین سخنان «باز»‌های آمریکایی.

- فسه ی پنهانی جمهوری پنجم فرانسه.

- و ...

روزنامه ی تلگرام نیز که این مقاله ی ژان گیزنل را منتشر کرده است، روزنامه ی بزرگ منطقه ی غرب فرانسه است که در چند سال اخیر برخلاف فضای رکود و سقوط تیراژ نشریات فرانسوی و حتی ورشکستگی تعدادی از آن ها، روز به روز بر تیراژش افزوده شده است. آنچه می خوانید، ترجمه ی این مقاله است.

حمله ی هوایی آمریکا به سوریه، به نفع کیست؟

ژان گیزنل

روزنامه ی لو تلگرام

۲۸ اکتبر ۲۰۰۸

در فردای حمله ی هوایی آمریکا به سوریه [در یکشنبه ۲۶ اکتبر] واشنگتن از «موفقیت»، حرف می زند؛ و دمشق از «تجاوز به سرزمین سوریه». در این بازی سایه ها، عملیات آمریکا، به نفع کیست؟

در آنچه به مبارزه با تروریسم بر می گردد، همیشه باید به امور مورد ادعا، و به ظاهر قضیه، با دیده ی تردید نگاه کرد. از این رو، هیچ نمی توان مطمئن بود که حمله ی هلی کوپتر های آمریکایی به سوریه، همانگونه که واشنگتن ادعا می کند، حمله ی موفقیت آمیز بوده باشد.

آمریکا مدعی شده است که در این عملیات، «یکی از مهم ترین افراد منتقل کننده ی جنگجویان خارجی به منطقه» را به قتل رسانیده است. ادعایی که احتمالاً می تواند درست باشد. اما فقط احتمالاً. نه مطمئناً.

مقامات سوری هم اطلاع می دهند که در جریان این حمله، آمریکا هشت غیر نظامی را به قتل رسانیده است. و وزیر امور خارجه ی سوریه، حمله ی آمریکا را یک «حمله ی تروریستی» می نامد.

نمایش سایه ها

آمریکا می گوید که با این حمله، یک مرکز پشت جبهه ی کسانی را که در عراق مشکل می آفرینند منهدم و نیست و نابود کرده است.

و این در حالی است که سازمان های اطلاعاتی آمریکا و سوریه، هر دو با یکدیگر روابطی نزدیک برقرار کرده اند.

در بازی سایه ها بر پرده ی نمایش آنتی تروریسم، دشمنانِ دبروز می توانند به متحدانِ امروز بدل شوند. و بالعکس، متحدانِ امروز می توانند دشمنانِ فردا باشند!

بعد از آنچه آمریکا در پی واقعه ی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به مرحله ی اجرا گذاشت، تا به امروز، قواعد عامّ جدید بین المللی تغییری نکرده اند؛ و واشنگتن، دیگر توسلّ به هیچ اقدامی را برای خود ممنوع نمی داند.

باید این را به صراحت گفت که [در زمینه ی تجاوز های مستمر دولت آمریکا به حقوق مردم سرزمین های اشغال شده، و حتّی مردم کشور خود، به بهانه ی مقابله با تروریسم] بسیار به ندرت پیش آمده است که کسی مورد محکومیت و مجازات قرار بگیرد.

وزارت امور خارجه ی فرانسه گفته است که:

در صورتی که تأیید شود که عملیات آمریکا در خاک سوریه انجام پذیرفته است [!] آن وقت ما به آمریکایی ها یادآوری می کنیم که به استقلال سرزمین ها علاقه مندیم [!].

و این گفته، هیچ نیست به جز حدّ اقل آنچه می توانست گفته شود. آن هم در شرایطی که نیکولا سارکوزی، بشار اسد، رییس جمهوری سوریه را امسال برای شرکت در مراسم رژه ی پیروزی انقلاب ۱۴ ژوئیه ی فرانسه، به این کشور دعوت کرده بود. [در فرانسه، شرکت از رییس یک کشور برای حضور در این مراسم معین، معنای سیاسی ویژه بی دارد.]

چرا در چنین شرایطی؟

چرا این حمله ی هوایی، الآن و در چنین شرایطی انجام پذیرفته است؟ آمریکا چه دلایل واقعی و قابل پذیرشی برای تجاوز به حق حاکمیت سوریه می توانست داشته باشد؟

آیا در چنین حمله پی، ما کمپین مک کین علیه اوپاما را نمی بینیم؟ در چند روز باقی مانده، هیچ چیزی نمی تواند به کاندیدای حزب جمهوری خواه که در موقعیتی بسیار بد قرار دارد، بهتر از عملیات نظامی موفق، کمک کند. چرا که جمهوری خواهان، خودشان را به عنوان نیرویی معرفی می کنند که قادر است امنیت شهروندان آمریکایی را تأمین و تضمین کند. [موضوع، به همین یک حمله منحصر نیست، بلکه] ما می بینیم که آن ها در این ایام اخیر می کوشند تا این ادعای خود را به مردم کشورشان بقبولانند. با حملات «هدفمند» پی در پی در پاکستان.

اما یک مشکل آن ها این است که این نوع عملیات، و قتل های «نشانه گیری شده»، تا کنون صد ها قربانی بی گناه در میان مردم عادی به جا گذاشته است، در حالی که حملات مستمر گروه های شورشی، بی وقفه ادامه دارد.

یک اکتبر سوربرایز

جرج بوش، پدر جرج دبلیو بوش، رئیس جمهوری کنونی آمریکا، تقریباً سی سال پیش، جزء گروه شرکت کننده در عملیات رسوا شده و فاجعه آمیزی بود که «اکتبر سوربرایز» نام گرفت.

در آن عملیات، جمهوری خواهان، در نهران، بر سر به گروگان گرفته شدگان سفارت آمریکا در تهران وارد معامله با رژیم ایران شدند. معامله بی خاص با این هدف معین که [با مانع شدن از انتخاب دوباره ی جیمی کارتر] رونالد ریگان به کاخ سفید راه بیابد.

تاریخ، از این واقعه به عنوان یک حيله ی غافلگیر کننده در ماه اکتبر [ماهی که اندکی پس از پایان آن، انتخابات ریاست جمهوری آمریکا برگزار می شود] یاد می کند.

آرزو کنیم که حمله ی آمریکا به سوریه، ربطی به این نوع از مانیپولاسیون نداشته باشد!

پا نویس:

* در مورد اهمیت ویژه‌ی که تئوریسین‌های اصلی آنچه «شاخه‌ی مדיاتیک» و به چشم آمدنی آن، به «نئوکان‌ها» معروف شده است برای «هرج و مرج سازنده» قائلند می‌توانید - از جمله - مراجعه کنید به:
«نئوکنسرواتور‌ها و سیاست هرج و مرج سازنده» از نری میسان، با ترجمه و مقدمه‌ی همین قلم:

http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar02/liban_voltaire.html

و نیز: «آمریکا و اسرائیل، حمله به ایران، و «هرج و مرج سازنده»:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar03/arabtimes280307.html>

ضمناً فراموش نکنیم آنچه را «اسکات رایتر» در ارتباط با تحریک و تحرکات نئوکان‌ها و اسرائیل، نسبت به آن هشدار داده بود:
«می‌خواهند با بمباران ایران، اوپاما را در برابر عمل انجام شده قرار دهند» -
گفتگوی روزنامه‌ی ایتالیایی ایل مانیفستو با اسکات رایتر، به ترجمه‌ی همین قلم:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar07/ritter-iran.html>